

جایگاه و نقش تاریخی دیپلماسی فرهنگی سازمان همکاری اسلامی در پشتیبانی از مبارزه ملل اسلامی

نویسنده(گان): مرتضی شیرودی و سید حسین حسینی

چکیده:

سازمان کنفرانس اسلامی که در سال ۲۰۱۱، ۱۳۹۰ به سازمان همکاری اسلامی تغییر نام داد در واکنش به شکست اعراب در جنگ ۱۳۴۶، ۱۹۶۷ و در پاسخ به حادثه آتش زدن مسجد الاقصی در ۱۳۴۷، ۱۹۶۹ از جمع ۵۷ کشور پدید آمد به دومین سازمان غیردولتی بین المللی تبدیل گردید این سازمان طی فراز و نشیب های بسیار ناکارآمدهای و کارآیی های فراوانی را به نمایش گذاشت اما علی رغم تولید آثار متعدد در تبیین این کارآمدی ها و ناکارآیی ها همچنان برخی از وجوه کارکردی آن از جمله نقش دیپلماسی فرهنگی سازمان در روند تاریخی آن از ابهام و ابهام برخوردار است لذا نمی دانیم " در منظر تاریخی دیپلماسی فرهنگی سازمان از چه نقش و جایگاهی در پشتیبانی از مبارزه ملل اسلامی برخوردار است؟" احتمالا موفقیت ها و شکست های ناشی از کاربست دیپلماسی فرهنگی در سازمان به کارگیری دقیق تر دیپلماسی فرهنگی را گوشزد می کند. تجربه نشان از رصد دیر هنگام دیپلماسی فرهنگی و کاربست نامتوازن و غیر دقیق آن در سازمان دارد که مانع از بهره گیری از اغلب ظرفیتهای دیپلماسی فرهنگی برای ارتقاء همکاری اسلامی در پشتیبانی از مبارزه ملل اسلامی شده است، از این رو، هدف این مقاله تبیین تاریخی جایگاه و نقش دیپلماسی فرهنگی در سازمان همکاری اسلامی است تا نشان دهیم که تعمیق دیپلماسی فرهنگی در تحقق اهداف سازمان یک امر حیاتی و کلیدی است تنها در این صورت است که سازمان خواهد توانست در جهت تسکین و درمان دردها و آلام جهان اسلام قدمهای مؤثرتری بردارد و زمینه های ارتقاء قدرت و بسترهای شکوفایی و پیشرفت جهان اسلام را فراهم آورد.